

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۹۷ تا ۱۳۴

## تأثیر تقابل عربستان با ج.ا.ایران بر امنیت منطقه غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۱۷)

مجید اسدی<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۳

### چکیده

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ این پرسش است که تأثیر تقابل عربستان سعودی با ج.ا.ایران، بر امنیت منطقه غرب آسیا طی پنج سال گذشته چگونه بوده است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود این است که تقابل عربستان سعودی، با ج.ا.ایران موجب کاهش امنیت در منطقه غرب آسیا شده و عربستان سعودی سعی کرده است تا با حمایت و پشتیبانی از گروه‌های سلفی جدید و همچنین تکیه بر حمایت آمریکا و غرب و هم راستا با رژیم صهیونیستی، موازنه قدرت را به نفع خویش تغییر دهد، جمهوری اسلامی ایران نیز سعی نموده است تا با حمایت و تقویت محور مقاومت موازنه قوا را به نفع خویش حفظ کند. یافته‌های پژوهش را می‌توان این گونه بیان کرد که: رقابت‌های منطقه‌ای عربستان و ج.ا.ایران موجبات واگرایی و بروز تنش‌هایی در روابط دو کشور شده است که پیامدهای این رقابت چالش‌های امنیتی را علاوه بر خود دو کشور، برای منطقه غرب آسیا نیز به همراه داشته است و استمرار سیاستهای تفرقه افکنانه عربستان سعودی کاهش روز افزون امنیت منطقه را در پی خواهد داشت.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت، منطقه غرب آسیا، عربستان سعودی، ج.ا.ایران

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه

رفتارهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا، همواره بر قدرت ملی دو کشور تأثیر متقابل داشته است. همچنین رفتار و نحوه بازی سایر بازیگران منطقه‌ای و امنیت منطقه غرب آسیا نیز متأثر از رقابت بین این دو بازیگر بوده است. رابطه عربستان سعودی و ج.ا.ایران، در سال ۲۰۱۱ به دلیل اختلافات شدید در مورد موج ناآرامی موسوم به بهار عربی و مداخله نظامی به رهبری عربستان در بحرین به منظور حمایت از پادشاهی این کشور، سمت‌وسوی شگفت‌انگیزی به خود گرفت. رقابت میان این دو کشور اغلب تحت تأثیر اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک، بسیار تشدید می‌شود و در هنگام آشوب‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای، دشمنی‌های آن‌ها افزایش می‌یابد، بر همین اساس توافق هسته‌ای میان ج.ا.ایران و کشورهای غربی از یک طرف و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در سال‌های اخیر، از جمله، نقش تأثیرگذار ج.ا.ایران در بحران‌های عراق، سوریه، قطر و یمن، از طرف دیگر، به افزایش قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران انجامیده و موجب نگرانی و تشدید دشمنی عربستان سعودی شده است. لذا عربستان سعودی همواره محوریت اصلی سازماندهی نیروهایی را عهده‌دار بوده است که علیه منافع ج.ا.ایران و محور مقاومت از قبیل سوریه، عراق، حزب ... در لبنان و شیعیان منطقه ایفای نقش می‌کنند. نتیجه چنین فرآیندی را باید در گسترش مداخله‌گری عربستان در کشورهایی همانند بحرین و یمن نیز مشاهده کرد. عربستان سعودی از ابزارهای مختلفی به منظور جلوگیری از نفوذ روز افزون ج.ا.ایران در منطقه بهره جسته است منجمله این اقدامات، دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی، کمک به ایجاد و تجهیز گروه‌های تروریستی سلفی، اتحاد با کشورهای غربی، آمریکا و رژیم صهیونیستی و... می‌باشد. در همین خصوص رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«من به شما عرض می‌کنم که این اختلافاتی که امروز شما می‌بینید در عراق و در سوریه و در بقیه جاها سعی می‌شود عنوان دعوی مذهبی به آن داده بشود، به هیچ‌وجه دعوی مذهبی نیست، دعوی سیاسی است. جنگ در یمن، جنگ سیاسی است نه جنگ

مذهبی؛ به دروغ میگویند که بحث شیعه و سنی است، در حالی که شیعه و سنی نیست. بعضی از آنهایی که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست میدهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوای سیاسی است، دعوای سیاست‌ها است»<sup>۱</sup>.

ثبات و بی‌ثباتی امنیتی در منطقه غرب آسیا در گرو عوامل درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای متعددی می‌باشد. در این میان نقش بازیگران محوری در بهبود وضعیت امنیتی و یا برعکس بی‌ثبات‌سازی منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است. ج.ا.ایران و عربستان سعودی از قدرتهای مهم غرب آسیا و علی‌الخصوص منطقه خلیج فارس محسوب می‌شوند و هر یک در پی افزایش نفوذ خود در این مناطق و نیز در جهان اسلام هستند. و این دو کشور که مهم‌ترین بازیگران منطقه غرب آسیا و حوزه خلیج فارس به شمار آمده و از اثرگذارترین کشورهای منطقه می‌باشند. این امر خود باعث رقابتی روزافزون بین دو کشور چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ج.ا.ایران شده است، عربستان می‌کوشد با گسترش نفوذ منطقه‌ای خود، به رویارویی با برتری منطقه‌ای ج.ا.ایران بپردازد. هر چند بعد از انقلاب این رقابت در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری در میان کشورهای اسلامی بیشتر شده، اما در کل رقابت میان دو کشور بر سیر روابط فی مابین تأثیر بسزایی داشته و فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است. در مسیر این روابط، گاه این دو کشور بر سر مسائل منطقه‌ای، فرهنگی و مذهبی در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و گاه بر سر منافع مشترک باهم همکاری کرده‌اند. تیره شدن روابط دیپلماتیک بین این دو کشور، می‌تواند چشم انداز سیاسی و امنیتی منطق‌های را تغییر دهد. سؤال اصلی این پژوهش، چگونگی تأثیر تقابل عربستان سعودی با ج.ا.ایران، بر امنیت منطقه غرب آسیا طی پنج سال گذشته بوده است؟ این پژوهش ضمن اشاره به تاریخچه روابط دو کشور، به نقش و رویکرد و تلاش‌های گسترده عربستان در تقابل با ج.ا.ایران در مسائل مهم حادث شده در کشورهای منطقه، طی پنج سال

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی. ۹۴/۵/۲۶

گذشته و تحولات منطقه غرب آسیا پرداخته و تاثیر تقابل عربستان سعودی با ج.ا.ایران بر امنیت غرب آسیا را بررسی می‌کند.

### بیان مسئله

منطقه غرب آسیا و خلیج فارس به عنوان بخشی از گستره سیستم بین‌المللی، به دلایل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص، همواره در دوران تاریخی خود تاکنون به عنوان بخش مهم و دارای اهمیت در نقشه ژئوپلیتیک جهان مطرح بوده، به خصوص در دوران حاضر مسئله اقتصادی و انرژی بر نقش آن افزوده است. این منطقه در زمره مناطقی محسوب می‌گردد که همواره با نشانه‌هایی از منازعه، ستیز و جنگ‌های منطقه‌ای روبه‌رو بوده است. ج.ا.ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت منطقه‌ای، از دیرباز به عنوان دو رقیب اصلی در منطقه غرب آسیا شناخته می‌شدند، بر همین اساس عربستان هرگونه قدرت‌یابی ج.ا.ایران در منطقه را به زیان خود می‌داند و همواره و با تمام توان و با عناوین مختلف، با حمایت و خط فکری آمریکا و رژیم صهیونیستی، به مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران برآمده است. در طول تاریخ مناسبات دو کشور، در بهترین وضعیت، همکاری میان عربستان سعودی و ج.ا.ایران، تقریباً همواره با سوءظن همراه بوده است.

هرچند در دوره‌هایی ج.ا.ایران سیاست تنش‌زدایی را در پیش گرفت و در پاره‌ای از موضوعات روابط بهبود یافت، ولی تضادهای ایدئولوژیک این دو کشور مسئله‌ای نبود که به راحتی بتوان از آن عبور کرد؛ چرا که اگر تضادهای سیاسی کشورها از حوزه ژئوپلیتیکی به عرصه ایدئولوژیک تسری پیدا کند در آن شرایط سازوکارهای مبتنی بر تنش‌زدایی از موفقیت و اثربخشی چندانی برخوردار نخواهد بود. با وجود اینکه عربستان از تشدید بحران در منطقه و ایجاد یک بحران جدید در محیط امنیتی خود استقبال نمی‌کند؛ اما از تضعیف نقش و نفوذ ایران در خاورمیانه خشنود خواهد شد. بر همین اصل طی سال‌های اخیر روابط میان عربستان سعودی و ج.ا.ایران بسیار پیچیده‌تر شده و ابعاد جدیدی به خود گرفته است، بحران و جنگ در کشورهای منطقه که به ظهور و گسترش تروریست سلفی با حمایت‌های عربستان سعودی منجر گردید و در ادامه دست‌آویزی برای

حضور کشورهای غربی در منطقه غرب آسیا، به بهانه مبارزه با تروریسم منجر شد و در نهایت باعث ایجاد بحران امنیت در این منطقه گردید. سؤال اصلی این پژوهش، چگونگی تأثیر تقابل عربستان سعودی با ج.ا.ایران، بر امنیت منطقه غرب آسیا طی پنج سال گذشته بوده است؟ و پژوهشگر سعی در رسیدن به پاسخ این سؤال بر اساس بررسی اسناد و مدارک و تحلیل‌های کارشناسان در این حوزه می‌باشد.

### **نوع تحقیق**

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با توجه به روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای، مناسب‌ترین روش تحقیق برای این موضوع در نظر گرفته شده است. در این روش، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از بررسی تاریخی وقایع مرتبط با موضوع و همچنین داده‌ها براساس تحلیل جزئیات در ساختار کلی است.

### **ابزار و روش گردآوری اطلاعات**

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق جستجوی کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری گردیده، با این روش ابتدا مطالعات و داده‌های مربوط به بخش ادبیات و مبانی نظری تحقیق از میان کتاب‌ها، تحقیقات، مقالات، کنفرانس‌ها اسناد دولتی و راهبردی استخراج و تبیین گردیده است.

### **روش تجزیه و تحلیل اطلاعات**

با توجه به نوع موضوع و شیوه گردآوری اطلاعات، در ابتدا توصیفی از متغیرهای مستقل و وابسته ارائه شده و با طرح پرسش، اطلاعات جمع‌آوری شده است و برای پاسخ‌گویی به پرسش به منظور مقایسه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از روش‌های استدلال منطقی و تحلیل‌های کلامی استفاده شده است.

### **سؤال تحقیق**

آیا تقابل عربستان سعودی، با ج.ا.ایران موجب کاهش امنیت در منطقه غرب آسیا شده است؟

## فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اهم: تقابل عربستان سعودی، با ج.ا.ایران موجب کاهش امنیت در منطقه غرب آسیا شده است.

## فرضیه فرعی

۱- کوشش عربستان سعودی برای تغییر موازنه قدرت به نفع خویش، با حمایت و پشتیبانی از گروه‌های سلفی جدید و همچنین تکیه بر حمایت آمریکا و غرب و هم راستا با رژیم صهیونیستی، موجب کاهش امنیت در منطقه غرب آسیا شده است.

۲- کوشش ج.ا.ایران برای تغییر موازنه قدرت به نفع خویش با حمایت و تقویت محور مقاومت موجب کاهش امنیت در منطقه غرب آسیا شده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

## تاریخچه روابط ج.ا.ایران با عربستان سعودی

در ابتدای به قدرت رسیدن آل سعود، ایران در برقراری رابطه با شبه جزیره دچار سردرگمی بود و سیاست صبر و انتظار را پیشه کرده بود تا تکلیف جنگ داخلی در عربستان معین گردد. در سال ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۸ ش دولت ایران، پادشاهی نجد و حجاز را به رسمیت شناخت و عهدنامه مودت در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۰۸ به امضا رسید. روابط دو کشور تا شروع جنگ جهانی دوم بطور فعال ادامه داشت.<sup>۱</sup>

دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دوره ویژه‌ای برای غرب آسیا بود و جهان عرب به دو اردوگاه دشمن، محافظه کاران و رژیم‌های شبه سوسیالیستی عرب تقسیم شد. در این شرایط که جهان به اردوگاه خصم شرق و غرب تقسیم گشته بود، ایران با اتخاذ سیاست اتحاد با غرب و حفظ وضع موجود با عربستان محافظه کار و نیز متحد با غرب دارای سیاست‌های مشترکی شد و این خود باعث افزایش روابط و در یک راستا قرار گرفتن دو کشور در غرب آسیا شد. ایران و عربستان نه تنها با گسترش کمونیسم در منطقه مخالف سرسخت

<sup>۱</sup> - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۷) تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی،

بودند بلکه دشمنان منطقه‌ای چون ناصریسم و بعثیسم نیز داشتند این مشترکات سبب شد تا مسائل اختلاف برانگیز چون حج، پیمان بغداد و روابط ایران و اسرائیل ناچیز جلوه کند. این روابط حسنه سبب ایجاد ثبات نسبی در خلیج فارس شده بود که حفظ امنیت این منطقه از اهداف استراتژیک دو طرف بود. روی کار آمدن ناصر در مصر و بحران کانال سوئز برگی دیگر از نگرش ایران و عربستان به رویدادهای منطقه بود. ایران در این درگیری حالت بی‌طرفی اتخاذ کرد چراکه انگلیس عضو پیمان بغداد بود و علت بی‌طرفی ایران نیز به همین خاطر بود اما عربستان از مصری‌ها و ناصر حمایت کرد. ایران و عربستان سعودی بعد از جنگ جهانی دوم و شروع جنگ سرد در استراتژی‌های آمریکا دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بودند تا از نفوذ کمونیسم از طریق آن‌ها در منطقه جلوگیری به عمل آید. دکترین آیزنهاور در سال ۱۹۵۷ بیان می‌داشت که آمریکا در برابر تهدیدات شوروی از دولت‌های غرب آسیا از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی حمایت می‌کند. از این دکترین ایران و عربستان سعودی و کشورهای میانه‌رو عرب چون عراق، اردن و لبنان حمایت کردند. در واقع این دکترین آغاز جنگ سرد عربی بود. این دکترین عامل دیگری در نزدیکی ایران و عربستان قلمداد می‌گردد. مواضع این دو کشور در بحران‌های لبنان و اردن که در آن‌ها شورش‌هایی توسط طرفداران ناصر و پان‌عربیسم صورت گرفته بود، مشابه بود. این بحران‌ها با مداخله انگلیس در اردن و آمریکا در لبنان خاتمه داده شد. کودتای ۱۹۵۸ عراق و سرنگونی خاندان هاشمی و روی کار آمدن عبدالکریم قاسم نیز مواضع دو کشور را به هم نزدیک‌تر کرد. با اعلام انگلیس مبنی بر خروج از منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ کشورهای منطقه، نگران امنیت آن بودند، ایران آمادگی خود را برای همکاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس اعلام کرد اما کشورهای عرب این منطقه بیشتر مایل بودند برنامه مشترکی را بین خود برای حفظ امنیت به اجرا گذارند تا این که به همکاری امنیتی با ایران بپردازند. ایران در پی اعلام دکترین نیکسون مبنی بر واگذاری دفاع از مناطق به کشورهای عضو منطقه در سال ۱۹۶۹، خود را ژاندارم منطقه می‌دانست و پس از خروج انگلیس از حوزه خلیج فارس، حفظ امنیت این منطقه را وظیفه خود می‌دانست که این

اقدام ایران با واکنش های سرد و ترس دولت های این حوزه از بلندپروازی های محمدرضا شاه همراه گشت. حتی شاه ایران تا آخرین سال های سلطنت تلاش می کرد تا طرح قرارداد امنیتی را در این منطقه با همکاری کشورهای این حوزه به اجرا گذارد که با جواب رد این کشورها و به خصوص عربستان مواجه گشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در روابط دو کشور تغییر و تحولی اساسی پدید آمد. مقامات عربستان در آخرین روزهای حکومت پهلوی نیز از آن حمایت کردند؛ اما پس از پیروزی انقلاب، سیاست به شدت محتاطانه ای را در پیش گرفتند و به رصد تحولات ایران پرداختند و فرازونشیب های آن را دنبال کردند. آنان کوشیدند سیاست محافظه کارانه ای را در پیش بگیرند و حتی تا مدتی، سکوت اختیار کرده و از اظهارنظر صریح درباره حوادث ایران خودداری کردند. تا اینکه دولت بازرگان به قدرت رسید و پس از به قدرت رسیدن دولت بازرگان، مقامات عربستان روابط و مناسبات خود را با ج.ا.ایران تجدید کردند. ملک خالد در اولین عکس العمل خود، برپایی حکومت اسلامی را در ایران مقدمه نزدیکی و تفاهم هرچه بیشتر دو کشور خواند و فهدابن عبدالعزیز، ولیعهد این کشور، نیز گفت: برای رهبری انقلاب ایران احترام بسیاری قائل هستیم. پیروزی این انقلاب در ایران، بر رژیم عربستان سعودی ضربه ای کوبنده وارد کرد: اول از آن جهت که رژیم عربستان سلطنتی و همانند شاه ایران وابسته به ایالات متحده آمریکا و غرب بود؛ بنابراین این نگرانی برای دولت سعودی ها وجود داشت که اگر جنبشی مردمی توانست حکومت ایران را ساقط کند، همین اتفاق می تواند برای آن ها رخ دهد. دوم سعودی ها مدعی بودند که کشورشان سرزمین وحی و دولتشان پرچمدار اسلام در جهان کنونی است و وهابیت بر بنیان های واقعی و اصیل اسلام تکیه دارد و تنها کشوری هستند که در تمامی زمینه ها، فرامین قرآن را اجرا می کند؛ اما آنان شاهد انقلابی آن هم در کشوری نزدیک به خود بودند که به ادعای دوست و

۱ - کتاب سبز عربستان، (۱۳۷۴) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۱۲۴



دشمن، ریشه اسلامی داشت و خواستار اجرای احکام اسلام بود. در عین حال، تفسیری متفاوت بلکه متضاد با اسلام سعودی ارائه می کرد.<sup>۱</sup>

در واقع انقلاب ایران می توانست زنگ خطری برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و به خصوص عربستان که سیستم حاکمیت آنان نیز مشابه ایران قبل از انقلاب بود، باشد. به طوری که پیروز انقلاب ایران به عنوان یک انقلاب شیعی باعث شد شهادت و قدرت در روح شیعیان محروم سراسر جهان دمیده شود، اریک رولو مفسر روزنامه "لوموند" می نویسد: شورشیان شیعه به، دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی شورش مکه، دل و جرأت پیدا کردند و روز ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ مراسم روز عاشورا را که در عربستان سعودی ممنوع است برگزار کردند. جمعیت که عکس‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> را در دست داشتند به سوی قطیف، احساء و دیگر آبادی‌های ایالت شرقی حرکت کردند. آن‌ها بانک‌ها و مؤسسات دیگر را به آتش کشیدند و علیه رژیم سلطنتی شعار دادند و در اعلامیه‌ها از مردم برای سرنگونی رژیم سعودی دعوت کردند.<sup>۲</sup>

از همان هنگام، بدبینی ریاض و دیگر پایتخت‌های عربی به تئوری صدور انقلاب از تهران بیشتر شد. پس از این واقعه، تماس با ایرانی‌ها در موسم حج و گفت‌وگو و تبادل نظر با آن‌ها برای اتباع عربستان سعودی به شدت ممنوع شد.<sup>۳</sup> با مطرح شدن طرح هشت ماده‌ای ملک فهد برای به رسمیت شناختن اسرائیل، روابط ایران و عربستان بیش از پیش تیره گردید. از سوی دیگر، با وقوع جنگ میان ایران و عراق، این فرصت در اختیار عربستان قرار گرفت که در شرایطی که دو رقیب اصلی‌اش در سطح منطقه، در یک جنگ متقابل نابود کننده درگیر شده بودند، رهبری امور خلیج فارس را به دست گیرد. در سال ۱۳۶۳ وقوع حادثه ربوده شدن یک فروند هواپیمای سعودی و فرود آن در فرودگاه مهرآباد و اقدامات مثبت جمهوری اسلامی در پایان دادن به این حادثه باعث گردید تا روابط دو

۱ - آقایی، سید داود، (۱۳۶۸) سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: کتاب سیاسی، ص ۵۵ و ۵۶

۲ - همان، ص ۸۵ و ۸۶

۳ - فوییه، کلود، (۱۳۶۷) نظام آل سعود، ترجمه نورالدین شیرازی، بی جا: فراندیش، ص ۱۹۴

کشور تا حدودی رو به بهبود نهاد. در همین مرحله ما شاهد سفر وزیر خارجه عربستان به ایران و سفر وزیر خارجه وقت ایران به عربستان هستیم. این سفرها جهت بهبود روابط و حل پاره‌ای از مشکلات فی مابین از قبیل حج و جنگ میان ایران و عراق صورت گرفت. ولی در نهایت نتیجه‌ای به دنبال نداشت. اما چندی بعد و پس از آن که شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد و در آن از هر دو طرف برای آتش بس و انعقاد موافقت نامه صلح دعوت کرد، عربستان همراه با دیگر متحدین خود اعلام کرد که در صورتی که ایران از پذیرش قطعنامه خودداری کند، این کشور را تحریم خواهند کرد. در سال ۱۳۶۵ عربستان برای فشار بیشتر بر ایران و اجبار ایران به پذیرش قطعنامه اقدام به افزایش تولید نفت کرد که این خود باعث کاهش شدید قیمت نفت شد و درآمدهای نفتی ایران را به شدت کاهش داد. این امر باعث گردید تا روابط دوباره روبه تیرگی نهاد. اما پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، گام مؤثری در راستای تجدید روابط تلقی گردید. عربستان این اقدام را یک اقدام شجاعانه توصیف کرد و از آن استقبال کرد. لذا جهت گیری مطبوعاتی خود را علیه ایران متوقف کرد. فهد شخصاً اعلام کرد که عربستان با ایران اختلافی ندارد که قابل حل نباشد. تهران نیز آمادگی خود را برای شروع مذاکرات اعلام کرد. تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و اتخاذ مواضع اصولی از سوی ایران در رابطه با این موضوع و نیاز شورای همکاری خلیج فارس به حمایت باعث گردید که این کشورها به ویژه عربستان در تجدید روابط با ایران تلاش نمایند. عربستان حتی روابط میان ج.ا.ایران و شیعیان جنوب عراق را نیز نادیده گرفت و با پایان یافتن دوران اشغال کویت، خواهان از سرگیری روابط خود با ایران شد. این امر موجب گردید که سرانجام زائران ایرانی پس از چهار سال وقفه بتوانند بار دیگر در سال ۱۹۹۱ به زیارت خانه خدا بروند. اولین دیدار رسمی مقامات دو کشور بعد از ارتباط مجدد بین وزرای خارجه در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحده در شهریور ۱۳۶۹ صورت گرفت. دیدار بعدی در ژنو انجام شد و در اسفند ۱۳۶۹ وزرای خارجه بار دیگر در مسقط با یکدیگر دیدار کردند

و به دنبال آن بیانیه مشترکی در زمینه برقراری مجدد روابط سیاسی دو کشور منتشر شد. در نهایت می توان خلاصه سیاست های اتخاذ شده دو کشور را دوره ریاست جمهوری آیت ا.هاشمی رفسنجانی، سرآغاز کاهش تنش ها میان طرفین، افزایش حجم مبادلات بازرگانی، مواضع نزدیک به هم در مورد مسائل منطقه ای، فعالیت های مشترک برای حفظ ثبات قیمت نفت، رفت و آمدهای مقامات سیاسی، قضایی، اقتصادی و امنیتی دو کشور که باعث وارد شدن به مرحله جدیدی از همکاری و اعتمادسازی بین دو کشور شد، دوره ریاست جمهوری خاتمی: در این دوره شاهد گسترش همکاری ها بین طرفین و انعقاد قراردادهای متعدد از جمله انعقاد قراردادی امنیتی در ۱۸ آوریل ۲۰۰۱ بین دو کشور، آغاز دور جدیدی از گفت و گوها، اما در این دوره نیز وجود برخی تنش هایی سیاسی از جمله: حمایت سعودی ها از ادعاهای نادرست امارات بر سر جزایر سه گانه، نگرانی های عربستان از دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای ایران، مجادله بر سر حضور نظامی قدرت های بزرگ در این منطقه از سوی عربستان برای حفظ موازنه در برابر ایران، تنش - هایی گاهاً وجود داشت. اما دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، نگاه منفی عربستان به فعالیت ها و نقش آفرینی های ایران در منطقه، وجود اختلافات سیاسی پشت پرده، نگرانی - های عربستان سعودی از فعالیت های هسته ای ایران و حوادث موجود در عراق همچنین موضوع همیشه مطرح سرزمین های فلسطینی، اوضاع ناآرام لبنان و یمن، تحولات بحرین، حمایت ایران از سوریه، ادعای عربستان از حمایت ایران از شیعیان شرق عربستان و تحریک آنان به اعتراض، روابط ایران و عربستان را دچار زوال و تیرگی کرده بود. با روی کار آمدن ملک سلمان، اولویت های سیاست خارجی عربستان تغییر کرده است؛ مثلاً در دوران ملک عبدا...، تهدیدات امنیت ملی عربستان بر حسب میزان تهدیدزایی به ترتیب جریان های تکفیری، اخوان المسلمین و در نهایت ج.ا.ایران محسوب می شد؛ اما این اولویت بندی در دوره زمامداری ملک سلمان به هم خورد و ایران به عنوان تهدید شماره یک عربستان مورد توجه قرار گرفت و پس از آن جریان های تکفیری و اخوان المسلمین در

اولویت‌های بعدی قرار گرفتند؛ براین اساس، در دوره کنونی، سیاست خارجی عربستان برخلاف دوره ملک عبدال... که دارای نقشی محافظه‌کارانه و سستی بود، به شدت تهاجمی شده و یا به عبارتی رویکرد هابزی را در دستور کار خود قرار داده است.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب عنوان شده به صورت خلاصه از سیر روابط دو کشور، از به قدرت رسیدن آل سعود تا کنون، همواره فراز و فرودهایی در روابط این دو کشور حاکم بوده که باعث تنش‌هایی پیوسته و همکاری‌های مقطعی بین دو کشور بوده است. با توجه به حوزه نفوذ هر یک از دو کشور و وزن ژئوپلیتیکی هر دو بازیگر، سیاست خارجی اتخاذ شده از سوی هر یک از دو، علاوه بر امنیت داخلی یا منطقه‌ای طرف مقابل، امنیت منطقه غرب آسیا را متأثر خواهد کرد این پژوهش نیز در همین راستا با بررسی رقابت‌های استراتژیک عربستان با ج.ا.ایران، درصدد است تأثیر آن را بر امنیت منطقه غرب آسیا مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد.

### **علل تقابل عربستان با ج.ا.ایران**

اصول عمده نظریه موازنه قدرت را بدین گونه می‌توانیم بیان کنیم: تعداد کثیری از ملل را که میزان قدرتشان با یکدیگر فرق دارد در نظر می‌گیریم، هر کدام از آن‌ها می‌کوشند قدرت خود را به میزانی مناسب و مقدور بالا ببرند. در نتیجه تلاش و کوششی که آنان در جهت ایجاد نظام کامل موازنه به کار می‌بندند نظام موازنه قدرت شکل می‌گیرد. هرگاه سنگینی قدرت یکی از دو کفه بر دیگری سخت چربید دولت‌هایی که در کفه مقابل هستند دو راه در پیش دارند یا بر قدرت خود بیفزایند یا آن‌که در پی کاهش قدرت رقبای خویش برآیند. از جمله روش‌های کاهش و تضعیف اتحادهای مخالف می‌توان به مداخله اشاره کرد. از دولتی حتی بزرگ انتظار می‌رود که به هنگام تغییر موازنه قدرت تلاش کند تا متحد از دست رفته‌ای را دوباره در سلک اتحاد خویش وارد سازد یا با مداخله در امور داخلی کشور و روی کار آوردن حکومت مساعدی در آنجا متحد تازه‌ای به دست بیاورند تا

۱- کرمی، کامران، «پیامدهای منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای تحولات یمن بر الگوی رفتاری عربستان» ۹ آبان ۱۳۹۴، در:

موازنه را دوباره برقرار سازند. این امر زمانی شکل می‌گیرد که یکی از دولت‌هایی که در کفه دیگر موازنه قرار دارد صاحب قدرت اضافی شود و موازنه را مختل سازد. در نتیجه این اختلال، دولتی که در کفه مقابل موازنه قرار دارد بلافاصله دست به اقداماتی برای افزایش قدرت خویش می‌زند تا کسر قدرت خویش را جبران نماید.<sup>۱</sup>

بر طبق منطق رئالیسم تهاجمی هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است. دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. از دید واقع‌گرایان تهاجمی، آناارشی بین المللی حائز اهمیت زیادی است. لذا تلاش دولت‌ها برای کسب امنیت ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود و چون کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است، نتیجه محتوم این چنین بازی، تضاد و کشمکش است. همچنین نظریه پردازان معتقدند از آنجایی که هدف همه دولت‌های تجدیدنظرطلب دسترسی به جایگاهی هژمونیک در نظام بین الملل است، بنابراین این دسته از دولت‌ها به شدت در پی کسب قدرتند و اگر شرایط مناسب باشد، خواستار آنند تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند.<sup>۲</sup>

عربستان سعودی خود را به عنوان قدرت هژمون منطقه‌ای می‌شناسد و همواره این رهبری از سوی ایران به چالش کشیده شده است، لذا بر طبق منطق نئورئالیسم تهاجمی، چنین بازیگرانی از انگیزه برتری بر یکدیگر برخوردارند. بدین معنا که این کشور همواره خود را در یک فضای رقابت منطقه‌ای با ایران می‌بیند و رابطه دو کشور فاقد هرگونه فضای اعتمادساز است.<sup>۳</sup>

۱- سیف زاده، سیدحسین، (۱۳۸۵) اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: نشر میزان، ص ۵۸ و ۵۶

۲- مشیر زاده، حمیرا، (۱۳۹۰) تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت، ص ۱۳۰

۳- عبدا...خانی، علی، (۱۳۸۹) نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات ابرار معاصر، ص ۲۵

۴- کوهکن، علیرضا، سعید، تجری، (۱۳۹۳)، بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز.

سایه ذهنیت تاریخی تقابل عرب و عجم همچنان بر مناسبات و عربستان استمرار دارد. اعراب و به‌ویژه آل‌سعود بر این باورند که ایران در صدد احیای امپراتوری شیعی با محوریت ناسیونالیسم نژادی است. لذا این‌چنین پسماند تاریخی - ذهنی پایدار در سوق دادن دو کشور به تنش مداوم نقش بسیار اساسی داشته است؛ علاوه‌براین، مؤلفه ذهنی دیگری با عنوان مذهب نیز بر روابط دو کشور ایران و عربستان سایه افکنده است. آل‌سعود پرچم‌دار اسلام سلفی - وهابی و ایران نیز داعیه‌دار اسلام شیعی است. این دو برداشت متعارض از اسلام، همواره راهنمای مناسبات این دو کشور بوده است. به نظر می‌رسد که ذهنیت متأثر از برداشت‌های مذهبی متفاوت نخبگان سیاسی دو کشور در روابط نه‌چندان حسنه ایران و عربستان از ابتدای انقلاب تاکنون اثرگذار بوده است. ساختار نظام سیاسی پادشاهی و سنتی عربستان و ساختار دموکراتیک تصمیم‌گیری در ایران نیز از جمله تقابل‌های ذهنی حاکم بر فضای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دو کشور است که بر چالش میان آن دو افزوده است.<sup>۱</sup>

ایران و عربستان سعودی به دلیل هویت متمایز ایرانی - عربی و رقابت‌های دو کشور در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه هیچ گاه ادراک مثبتی از یکدیگر نداشته‌اند. قبل از انقلاب اسلامی و در دوره پهلوی دوم این دو کشور تحت تأثیر گفتمان حاکم جنگ سرد و فضای دو قطبی و به ویژه برای جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه ناگزیر به همکاری با یکدیگر بودند. این دو کشور به دلیل واهمه از قدرت‌گیری رقیب منطقه‌ای دیگر یعنی عراق تحت لوای سیاست دو ستونی نیکسون - کسینجر تا حدودی در کنار یکدیگر قرار گرفتند، که با وقوع انقلاب اسلامی سیاست دو ستونی کارایی خود را از دست داد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نه تنها به تداوم رقابت‌های ژئوپلیتیک دو کشور انجامید؛ بلکه با احیای شیعیان منطقه موجب افزوده شدن عامل ایدئولوژی به رقابت میان دو کشور شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا یکی از متحدان ویژه و یکی از مناطق

۱- زنگنه، حمید، سمیه حمیدی، «بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران یمن» پژوهش

استراتژیک نفوذی خود را از دست داد. از این روی، عربستان به عنوان جایگزینی جدی برای ایران خود را مطرح کرد. پس از این بود که عربستان رفته رفته به یکی از متحدان استراتژیک آمریکا در منطقه تبدیل شد. این پیوستگی و هماهنگی با آمریکا در حالی است که رابطه ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی به تیرگی گرایید. به سخن دیگر، حضور و نفوذ یکی از کشورهای ناهمسو با جمهوری اسلامی ایران در عربستان، سبب شد تا ذهنیت و ارزش‌های مشترک میان ایران و عربستان از هم بگسلد و دیوار بی اعتمادی میان این دو روزه روز بلندتر شود. از طرف دیگر با وقوع انقلاب اسلامی ایدئولوژی شیعه انقلابی به عنوان رقیبی قدرتمند در مقابل هویت عربی وهابی محافظه کار قرار گرفت. در واقع عربستان سعودی پادشاهی با تکیه بر ایدئولوژی وهابیت در مقابل جمهوری اسلامی ایران شیعه با محوریت ولایت فقیه قرار گرفت که هر کدام از این دو هم داعیه رهبری جهان اسلام را داشتند. روابط این دو کشور در طول تاریخ همواره روندی سینوسی و متغیر داشته است و با توجه به تحولات سال‌های اخیر در منطقه شاهد رقابت‌های جدی ج.ا.ایران و عربستان بودیم. اکنون با توجه به توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای غربی از یک طرف و نقش تأثیرگذار ایران در بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، عراق و یمن در طرف دیگر زمینه‌های افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و شیعیان در منطقه فراهم شده است که این موضوع باعث تشدید رقابت منطقه‌ای میان ایران و عربستان سعودی شده است.<sup>۲</sup>

رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلتیک ایران و سعودی در عراق، لبنان، منطقه خلیج فارس و در قبال تحولات اخیر بحرین، یمن و نیز مواجهه غیرمستقیم آنها در سوریه، تجلی حاکم شدن الگوی «تعارضی» است. از سوی دیگر در سطح ساختاری نظام بین الملل، نفی نقش ثبات بخش ایران در نظم منطقه و تشدید پروژه ایران هراسی به ویژه

<sup>۱</sup>- متقی، افشین، (۱۳۹۴)، واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه انگاری

<sup>۲</sup>- آرام، آرمینا، (۱۳۹۵) ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۹،

در موضوع برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران و در سطح منطقه‌ای پورنگ شدن عنصر شیعی در سیاست‌های منطقه‌ای در پرتو تحولات عراق و سپس لبنان به حساسیت اعراب و سعودی در قبال ایران انجامید. فشار عربستان و متحدانش به دولت شیعی عراق، تلاش برای تضعیف جریان‌های شیعه و حزب... در لبنان، حمایت از حاکم سنی بحرین و ممانعت از استقرار دموکراسی و قدرت‌یابی شیعیان در بحرین و خارج کردن سوریه از صف متحدان ایران از طریق تغییر رژیم در این کشور با حمایت از گروه‌های تندرو و جهادی سنی-سلفی، تجلی تعارض میان ایران در مقابل عربستان و غرب متأثر از سه عامل هویتی، ژئوپلیتیکی و ساختاری بوده است.<sup>۱</sup>

### مصادیق تقابل عربستان با ج.ا.ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۷) گذشته

با توجه به مطالب عنوان شده و برای تبیین موضوع، در ادامه به بیان مصادیقی از تقابل سیاست‌های عربستان، با ج.ا.ایران در کشورهای منطقه طی پنج سال گذشته پرداخته خواهد شد. با این نگاه که بنابر عقیده آقای جعفری ولدانی «اصولاً عربستان با هر نوع حکومت و یا حزبی که در منطقه مدافع تغییر وضعیت موجود است و خواهان نابودی اسرائیل باشد، مخالفت میکند».<sup>۲</sup>

#### ۱.عراق

حمایت‌های عربستان سعودی از حمله نظامی عراق به ج.ا.ایران از مصادیق بارز تقابل و تعارض این کشور با ایران می‌باشد به گونه‌ای که بنابر نظر آقای جعفری: جنگ تحمیلی پرهزینه‌ترین طرح مشترک آمریکا-عربستان، در راستای کوشش آن‌ها برای مهارکردن انقلاب اسلامی ایران بوده است و صدام حسین وسیله انجام این هدف شد. در تابستان ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م، عراقی‌ها که علاقه‌مند بودند موافقت آمریکا را برای حمله به ایران کسب

۱- ساعی، احمد؛ علیخانی، مهدی، بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید

بر دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲

۲- جعفری ولدانی، اصغر و سید علی نجات (۱۳۹۲)، نقش قدرتهای منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۰-۱۳۹۳)،

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، ص ۱۶۹



کنند، وزیر خارجه خود را به عربستان و اردن فرستادند تا با مقامات آمریکایی مذاکره کند و اطمینان یابد که آمریکا مخالف حمله عراق به ایران نیست. به طبع آمریکا مخالفتی نداشت. سعودی‌ها آن قدر محتاط بودند که بدون مشورت با واشنگتن، خود را به عنوان پشتیبان در جنگ قریب‌الوقوع درگیر نکنند. گزارش سعودی‌ها حاکی از آن است که نماینده واشنگتن یعنی برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، به برنامه اشتیاق نشان داد. به گفته منابع وابسته به دولت سعودی، عراقی‌ها اطلاعاتی درباره اوضاع دفاعی آشفته ایران دریافت کردند که آمریکا و از طریق دولت سعودی به آن‌ها داده بود.<sup>۱</sup>

بعد از سقوط رژیم بعث در عراق، درحالی‌که ج.ا.ایران تلاش‌های اثرگذاری را در شکل‌گیری یک دولت ملی و تحکیم پایه‌های قدرت سیاسی نوین و همچنین تثبیت امنیت ملی در این کشور از خود نشان داد، عربستان سعودی از همان ابتدا از طریق یارگیری و حمایت مالی، سیاسی، تبلیغاتی و لجستیکی از جریانات تندرو سلفی، بعثی‌ها و گروه‌های تروریستی، ضمن تلاش برای بی‌ثباتی و گسترش ناامنی در آن کشور، سعی کرد تا از نقش عراق جدید و فعال شدن آن در تحولات منطقه غرب آسیا ممانعت بعمل آورد. سرنگونی صدام حسین، عراق را به صحنه رویارویی دو کشور تبدیل کرد. حمایت ایران از گروه‌های شیعی و حمایت سعودی‌ها از اهل تسنن، تقابل ایدئولوژیک میان دو کشور را سرعت بخشید. به قدرت رسیدن شیعیان در کشوری که حدود ۱۴۰۰ سال در آن سنی‌ها حاکم بوده‌اند برای عربستان دشوار بود. این کشور بر عربی ماندن عراق اصرار داشت. آدر نتیجه، با آنکه نظام پادشاهی عربستان سعودی چندان قربانی با جمهوری متمایل به چپ صدام حسین نداشت، زمینه را برای تضعیف تهران از طریق تشویق بغداد برای حمله به ج.ا.ایران مناسب دید. در واقع رویدادهای سال ۱۳۵۸ش/۱۹۷۹م عربستان و ترس از سرایت انقلاب اسلامی و اقدامات آشکار و پنهان در منطقه زمینه‌ای شد تا دو کشور عراق و عربستان

<sup>۱</sup> - جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸) چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۱۵۷

<sup>۲</sup> - واعظی، محمود، (۱۳۸۷) روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۸

سعودی به یکدیگر بیش‌تر نزدیک شوند. یک سال قبل از شروع جنگ تحمیلی، پیمان امنیت متقابل بین دو کشور امضاء شده بود؛ همچنین در کنفرانس سران عرب که در جدّه برگزار شد، کشورهای عربی در جریان حمله عراق به ج.ا.ایران قرار گرفتند و موافقت خود را با تجاوز صدام اعلام کردند.<sup>۱</sup>

طی جنگ تحمیلی تنها عربستان و کویت، علاوه بر کمک‌های لجستیکی، بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی اظهار کرده بود: «اگر عراق می‌گوید افرادش را فدا کرده‌است، ما نیز با پول، سلاح‌های پیشرفته و همکاری بین‌المللی در این فداکاری سهیم بوده‌ایم».<sup>۲</sup>

## ۲. بحرین

«در قضیه بحرین که یک لشکر بیگانه از یک کشوری می‌آیند داخل بحرین برای اینکه به مردم بحرین فشار وارد کنند؛ اینجا هم باز چراغ سبز آمریکا است. خب حالا آن دولت سعودی، دولتی است که دست بچه‌ها دارد می‌گردد، بچه‌های ناب‌خرد واقعاً دست آنها است، اما آن چیزی که انسان با تحلیل مسائل، با مشاهده مسائل می‌فهمد، حقیقتاً همین است که این دست آمریکا است، پشتیبانی آمریکا است».<sup>۳</sup>

بحرین از کشورهایی است که از دیرباز شاهد جنبش‌ها و حرکت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی بوده است. جنبش‌های این کشور، در سال‌های اخیر، نمود زیادی داشته است. این کشور مرکب از سی و پنج جزیره با وسعت ۶۹۵ کیلومتر مربع، کوچک‌ترین کشور منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید. دین رسمی آن اسلام و بیش از ۶۰ درصد جمعیت آن شیعه و کمتر از ۴۰ درصد دیگر سنی مذهبند.

۱- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۶) جنگ ایران و عراق و پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۷۳

۲- درودیان، محمد، (۱۳۸۰) پایان جنگ: سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۳۱

۳- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۵/۱۱

احساس تبعیض، بی عدالتی و محرومیت اکثریت شیعی بحرین، به عدم مشارکت واقعی در قدرت سیاسی از طریق انتخابات محدود نمی شود، بلکه این گروه در عرصه های مختلف اداری، اجرایی، اقتصادی و اجتماعی نیز با سیاست های تبعیض آمیز آل خلیفه مواجهند و این امر تداوم نارضایتی و اعتراضات شیعیان بحرین را در پی داشته است. براساس گزارش سال ۲۰۰۳ مرکز حقوق بشر بحرین، از ۵۷۲ منصب عمومی و عالی، تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸ درصد و از ۴۷ منصب عالی در حد وزیر و مدیرکل، فقط ۱۰ منصب (۲۱ درصد) به شیعیان تعلق دارد. شیعیان در این نظام به هی چوجه نمی توانند عهده دار مناصب عالی حکومتی مانند وزارت دفاع، خارجه، دادگستری و کشور شوند. در مجموع همانگونه که بررسی ها و موارد فوق نشان می دهد، شکاف دولت و جامعه در بحرین در طول دهه های گذشته با توجه به سیاست های تبعیض آمیز خاندان آل خلیفه بسیار تشدید شده و برخی اصلاحات ظاهری نتوانسته است به تعدیل چالش مشروعیت رژیم سیاسی بحرین منجر شود. در نتیجه با وقوع قیام ها و اعتراضات مردمی ضدحکومتی در کشورهایی مانند تونس و مصر، مردم شیعی بحرین نیز مرحله جدید و وسیعی از اعتراضات خود علیه خاندان آل خلیفه را آغاز کردند! شش کشور از هشت کشور حوزه خلیج فارس به وسیله دستورات و احکام امیر، سلطان یا پادشاه اداره می شوند و در تمامی آنان، نقش رئیس حکومت از تمامی قوای دیگر، مشخص تر است. در اغلب این کشورها یا مجلس تنها وظایفی تشریفاتی دارد، یا پس از تأیید امیر، احکامش قابل یا لازم الاجرا می شود. از این رو، وقوع هرگونه تحول در سطح جامعه و حکومت در یکی از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس می تواند اثرات پایدار و معناداری در اقشار مردم آنها داشته باشد یعنی محرکی برای تحریک مردمی خسته از تسلط بی چون وچرای یک خاندان بر تمامی شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورشان. عربستان سعودی بر این باور است که هرگونه تغییر در بحرین منجر به تغییر در عربستان به ویژه مناطق شرقی این کشور به دلیل

همگونی‌های موجود بین این دو منطقه خواهد شد. همان‌طور که می‌دانید بسیاری از عشایر و قبایل موجود در بحرین و در دو منطقه شیعه‌نشین احساء و قطیف که دو استان شرقی عربستان هستند، اکثراً خویشاوند هستند و قطعاً هرگونه تغییری که در بحرین ایجاد شود، به طور مستقیم بر این دو منطقه عربستان تأثیر خواهد گذاشت. به همین دلیل است که عربستان تمام مسایل موجود در بحرین را پیگیری و سعی می‌کند شرایط کنونی در بحرین حفظ شود.<sup>۱</sup> همچنین از دیگر دلایل اهمیت امنیت داخلی بحرین برای عربستان، تحولات بیداری اسلامی در غرب آسیا بود که دومینووار کشورهای مختلف منطقه را در برمی‌گرفت، از این رو عربستان ضمن سرکوب گسترده مخالفان داخلی و به خصوص شیعیان، به حفظ هم پیمانان خود نظیر بحرین از طریق ورود نیروهای نظامی تحت لوای نیروهای شورای همکاری خلیج فارس نمود تا از این طریق بتواند جلوی تحولاتی را بگیرد که ممکن بود دیر یا زود وارد عربستان شود.

### ۳. سوریه

با شروع اعتراضات از مارس ۲۰۱۰ در سوریه، اکثر بازیگران مهم منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بنابه منافع خود اقدام به جهت‌گیری در تحولات این کشور نمودند.

کشور سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است؛ که با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک غرب آسیا، قرار گرفتن برکناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. به خصوص سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانیا، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند.<sup>۲</sup>

۱- آدمی، علی، بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره

۲۶، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۵۶

۲- رجبی، سهیل، (۱۳۹۱)، واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه پانزده

عده‌ای از ناظران بین‌المللی بر این اعتقادند که حوادث سوریه بیش از آن که منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبعی خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و فرصتی برای بهره برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. بنابراین استدلال، سوریه همچنان قربانی می‌شود، نه تنها در درگیری‌های خشونت آمیز با ارتش بلکه با سیاست‌های مختلف بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی. بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، هر یک به دنبال منافع خاص خود در تحولات سوریه هستند. عربستان سعودی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران مؤثر در بحران داخلی سوریه از این قاعده مستثنا نیست و به نظر می‌رسد این کشور با توجه به رقابت گسترده منطقه‌ای که با ج.ا.ایران دارد، بیش از هر عامل دیگری به دنبال سقوط دولت بشار اسد است؛ تا بتواند از این طریق قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران را کاهش دهد.<sup>۱</sup>

عربستان سعودی با توجه به استراتژی سیاست خارجی‌اش، که بخشی از آن را مهار و جلوگیری از نفوذ ج.ا.ایران در منطقه تشکیل می‌دهد، نقش بارزی در تحولات این کشور ایفا نموده است و اقدامات گسترده‌ای، از حمایت مالی و معنوی از شورشیان القاعده گرفته تا مشارکت فعال در محور غربی - عربی در جهت متقاعد کردن دیگر کشورها برای حمایت از مخالفان حکومت سوریه، و در نهایت تلاش بی‌وقفه برای حمله به این کشور انجام داده است. آنچه از گذشته وجود داشته و امروز عربستان سعودی را در قبال سوریه بیش از پیش حساس کرده است، روابط حسنه و گسترده سوریه با جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، به گونه‌ای که این کشور را به یک مخالف جدی علیه نظام سوریه مبدل کرده است. براین اساس، یکی از مهمترین دلایل تصمیم عربستان در ورود مستقیم به

خرداد، دوره سوم، سال دهم، زمستان، شماره ۳۴، ص ۱۲۵

۱ - نیاکویی، سید امیر، بهمنش، حسین، (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، زمستان شماره ۴، ص ۲

بحران سوریه، نگرانی این کشور از نزدیکی استراتژیک ایران و سوریه و برقراری توازن قدرت منطقه‌ای با ایران است. از همین رو، این کشور بروز بحران سیاسی در سوریه را بهانه‌ای برای تسویه حساب با ایران یافته است.<sup>۱</sup>

این کشور برای آنکه بتواند رقیب سستی خود را در موضع ضعف قرار دهد، در رویکردی تهاجمی که از تغییرات ساختاری در نظام سیاسی غرب آسیا به ضرر عربستان ناشی می‌شد، به عرصه تحولات سوریه که به عنوان کشور هم پیمان ج.ا.ایران شناخته می‌شود، به عنوان بازیگر کلیدی تحت عنوان رهبری جهان سنی ورود کرد تا از این طریق ضمن دور ساختن تحولات از منطقه خلیج فارس بتواند تحولات سوریه را به سمت مدنظر خود سوق دهد تا با ایجاد تغییر سامان مند در نظام سیاسی این کشور آن را از مدار ایران خارج کند. سوریه به عنوان ایجادکننده ارتباط با حزب... و به عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود. سوریه امن‌ترین موقعیت استراتژیک را در روابط بین اعراب و اسرائیل داراست و این امر باعث تقویت مقاومت حزب... در برابر رژیم صهیونیستی شده و از سوی دیگر با تمایل بیشتر این کشور به ج.ا.ایران به لحاظ سیاست-های منطقه‌ای جهان عرب، نفوذ ج.ا.ایران در منطقه تقویت شده است که این امر خوشایند عربستان نیست.<sup>۲</sup>

سوریه که به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای که از موقعیت ویژه‌ای در معادلات استراتژیک و ژئوپلیتیک خاورمیانه برخوردار است، به عرصه رقابت دو قدرت ایران و عربستان تبدیل شده است. در جریان بحران سوریه، عربستان به حمایت و پشتیبانی از مخالفین نظام به خصوص گروه‌های سلفی جدید پرداخته است. هدف عربستان سعودی از فشار بر نظام سوریه و حمایت از مخالفان، تغییر دولت سوریه و تضعیف محور مقاومت در منطقه و

۱- نجات، سیدعلی و اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲)، "بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، شماره هشتم، ص ۹۷

۲- کوهکن، علیرضا، تجری، سعید، (۱۳۹۳)، بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰ پاییز

تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به سود خود است. به زعم مقامات سعودی، واژگونی دولت سیاسی سوریه و به قدرت رسیدن گروه‌های سلفی جدید باعث می‌شود که سوریه از اتحاد با ایران و محور مقاومت خارج شده و به ائتلاف عربستان بپیوندد. در طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که ضمن حمایت از خواسته‌های مردم تأکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه حمایت همه جانبه خود را از دولت سوریه اعلام کرده است. ایران، سوریه را به عنوان عمق استراتژیک خود تعریف می‌کند. در همین راستا، ایران در قبال بحران سوریه، قاطعانه از حکومت اسد حمایت کرده است. ایران همچنین با تمام قوا با هرگونه مداخله طرف خارجی در امور داخلی سوریه مخالف بوده و تلاش کرده است با رایزنی و مذاکره با دیگر حامیان بین‌المللی سوریه نظیر روسیه و چین، مانع از دخالت قدرت خارجی در تحولات داخلی سوریه شود و بارها نیز تلاش کرده است تا آن دسته از مخالفان سوری که مخالف دخالت خارجی در سوریه هستند را در تهران گرد هم آورد تا بدین ترتیب به صورت طبیعی در مورد آینده سوریه با نظام حاکم بر این کشور گفتگو کنند. جمهوری اسلامی ایران همچنین اعلام کرد که درهای خود را به روی کشورهای منطقه برای گفتگو جهت یافتن راه‌حلی برای توقف خونریزی‌ها در سوریه و دور کردن دخالت‌های غرب در این کشور باز گذاشته است. در همین راستا، به جرأت می‌توان گفت تا بدین‌جا حمایت‌های ایران از سوریه موجب شده است که دولت بشار اسد بتواند در برابر فشارهای همه‌جانبه غرب و بسیاری از کشورهای عربی و همچنین ترکیه مقاومت کند. به هر ترتیب، پیگیری منافع در سوریه برای عربستان سعودی در تغییر دولت بشار اسد و برای ایران در ابقای آن است. این تعارض منافع و رقابت میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، بازی با حاصل جمع جبری صفر را ایجاد کرده است. این امر علاوه بر تشدید و طولانی شدن بحران در سوریه، منجر به کاهش تمایل همکاری و افزایش اختلاف بین این دو کشور شده است.<sup>۱</sup>

۱- نجات، سیدعلی، (۱۳۹۳)، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان، ص ۶۲۹

#### ۴.۴. یمن

«از لُج این نفوذ [ج.ا.ایران در منطقه]، صد روز است دارند یمن را میکوبند؛ چون می‌گویند شما در یمن نفوذ دارید. خب ما در یمن چه کار کردیم؟ اسلحه بردیم یمن؟ لشکرکشی کردیم به یمن؟ آنها از کشورهای دیگر مزدور انتخاب میکنند، دلار نفتی بهشان میدهند، لباس ارتشی سعودی را بهشان میپوشانند، می‌آورند میدهند دم چک انصارا... [یمن]! آنها دارند دخالت میکنند، ما چه دخالتی در یمن داریم»<sup>۱</sup>.

عربستان سعودی را می‌توان مهم‌ترین بازیگر خارجی در یمن دانست. این کشور به‌خوبی می‌داند که تغییر در هر یک از کشورهای عربی بر آن بی‌تأثیر نخواهد بود. لذا هرگونه تغییر در یمن می‌تواند تغییر در عربستان را سرعت بخشد. در این راستا این کشور در جنگ‌های داخلی یمن، جهت حمایت از دولت به‌منظور مقابله با حوثی‌ها مداخله کرده است. حوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ تاکنون شش جنگ را با دولت یمن داشته‌اند. در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۴ شکایت تعدادی از شهروندان به بهانه دستگیری و بازجویی از حسین الحوثی سبب ورود نیروهای امنیتی به منطقه مران، سکونتگاه وی شد. حوثی‌ها به مقابله با نیروهای حکومتی پرداختند که در نهایت این جنگ با کشته شدن حسین الحوثی در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴ پایان یافت. جنگ دوم در ۱۹ مارس ۲۰۰۵ شروع و در ۱۳ آوریل ۲۰۰۵ پایان یافت. درخواست دولت از بدرالدین جهت رفتن به صنعا، علت شروع جنگ بود. در ۱۲ ژولای ۲۰۰۵ سومین درگیری به رهبری عبدالملک الحوثی شروع شد. آرام ساختن فضا برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۶ عامل اعلام آتش‌بس از سوی دولت شد. در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۷، اتهام دولت به حوثی‌ها در زمینه اخراج یهودیان از صعده و تلاش برای تجزیه دولت زمینه‌ساز جنگ چهارم شد که در ۲ فوریه ۲۰۰۸ با وساطت قطر به پایان رسید. پنجمین جنگ میان دولت و حوثی‌ها از می ۲۰۰۸ تا ۱۷ ژولای ۲۰۰۸ به طول انجامید که

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰

<sup>۲</sup> - واعظی، محمود (۱۳۹۲)، انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های



به دلیل گسترش حیطه عمل حوثی‌ها و رسیدن آن‌ها به منطقه بنی‌حشیش در نزدیکی صنعا طولانی شد. ۱۱ اوت ۲۰۰۹ نیز با حمله عربستان از مرزهای جنوبی، دور ششم درگیری‌ها رقم خورد.<sup>۱</sup> در تمامی این جنگ‌ها عربستان با توجه به دغدغه‌های عینی و ذهنی پیش‌گفته حامی دولت یمن بوده است؛ دولت عربستان بر اساس دغدغه‌های متعددی به مداخله در این جنگ‌ها پرداخته و همواره از دولت یمن حمایت کرده است. اولین دغدغه که در این راستا حائز اهمیت است؛ مشکلات داخلی عربستان و مسئله بحران مشروعیت در این کشور است که به صورت ناتوانی در مقابل رقبای داخلی و بروز اختلاف‌نظرهای جدی میان نخبگان قدیم و جدید در این کشور جلوه‌گر شده است؛ بنابراین، این وابستگی امنیتی به آمریکا هرچند به ظاهر عربستان را در منطقه قدرتمند جلوه می‌دهد اما چون توانایی درون‌زای این کشور محسوب نمی‌شود و از طرفی وابسته به یک نیروی خارجی است، از نظر امنیتی برای آن نقطه ضعف محسوب می‌شود. از دیگر دغدغه‌های عربستان نسبت به تحولات یمن، موقعیت ژئوپولیتیکی استثنایی این کشور است. اشراف یمن بر تنگه باب‌المندب و دریای سرخ، وضعیت ژئوپولیتیکی خاصی در یمن ایجاد کرده است. این تنگه، بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه میان شرق و غرب است. از سوی دیگر با توجه به این‌که تنگه هرمز در اختیار ج.ا.ایران قرار دارد. لذا حفظ امنیت تنگه باب‌المندب در استراتژی‌های کلان انرژی و نظامی عربستان حائز اهمیت است. باب‌المندب، حلقه اتصال غرب با شرق است و روزانه ۳ میلیون بشکه نفت از آن عبور می‌کند و تسلط بر آن از سوی حوثی‌ها به منزله کنترل بر شاهراه‌های استراتژیک انتقال نفت در منطقه خواهد بود.<sup>۲</sup> نگرانی ژئوپولیتیکی دیگر عربستان این است که این کشور بیشترین

۱ - صادقی، حسین و احمدیان، حسن، (۱۳۸۹)، «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن؛ امکانات و چالش‌ها» فصلنامه راهبرد،

شماره ۵۶، پاییز ۲۶۲ و ۲۶۳

۲ - همان ص ۲۷۰

مرزهای زمینی را با یمن دارد. ناامنی در مرزها و برهم خوردن ثبات مرزی میان یمن و عربستان پس از سال ۲۰۰۰م از منظر ژئوپلیتیکی موجب نگرانی عربستان شده است.<sup>۱</sup>

اختلافات مرزی عربستان و یمن به دوره عثمانی بازمی‌گردد و مناطق وسیعی را نیز در برمی‌گیرد. عربستان مدعی است که مناطق نفت‌خیز یمن مانند مارب، جوف، ربع‌الخالی و حضر موت نیز متعلق به آن کشور است. در اثر این درخواست در سال ۱۹۹۵، درگیری نظامی بین دو کشور اتفاق افتاد که در اثر آن ۵۴ نفر کشته شدند و نهایتاً با وساطت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تفاهمی میان دو طرف درگیر در منازعه منعقد شد؛ اما باین‌حال مناقشات مرزی این دو کشور کماکان پابرجاست و به‌صورت معضلی حل‌نشده باقی مانده است.<sup>۲</sup> دغدغه چهارم ریاض، مسئله وجود پیوندهای قومی، قبیله‌ای، فرهنگی و مذهبی شیعیان جنوب عربستان با یمن است که از دیرباز پیوندهای محکمی با شیعیان شمال یمن داشته‌اند. بخش قابل توجهی از جمعیت عربستان را شیعیان تشکیل می‌دهند که در مناطق استراتژیک نفتی ساکن هستند. عربستان نگران آن است که اندیشه‌های شیعی و انقلابی به درون این گروه جمعیتی در داخل خاکش رسوخ کند. نگرانی پنجم پادشاهی عربستان در راستای تهدیدات عینی مؤثر بر ذهنیت نخبگان این کشور در ارتباط با نوع نظام سیاسی یعنی حکومت جمهوری در یمن بود. هرچند این نگرانی با اتحاد یمن شمالی و جنوبی و همسویی علی‌عبدالله... صالح با حکومت عربستان برای مدتی مرتفع شد؛ اما با تحولات ناشی از خیزش اسلامی در یمن که منجر به برکناری عبدالله... صالح شد؛ دوباره ترس تاریخی عربستان زنده شد و این کشور نگران آن است که اولاً امواج آزادی‌خواهی ناشی از خیزش اسلامی به عربستان وارد شود و میل به دموکراسی را در این کشور ایجاد نماید و ثانیاً از آن می‌هراسد که یمن به الگویی مطلوب برای صدور دموکراسی در منطقه خلیج

۱ - واعظی، محمود، (۱۳۹۲)، انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، ص ۳۱۳ و ۳۱۴

۲ - هاشمی‌نسب، سعید، (۱۳۸۸)، «نشست بررسی تحولات اخیر کشور یمن»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲، تابستان و پاییز، ص ۱۲

فارس تبدیل شود. ثالثاً شکل‌گیری دولتی دموکراتیک در یمن به همسویی این دولت جدید با ج.ا.ایران به‌عنوان یک دولت دموکراتیک در منطقه منتهی می‌شود. بر این اساس عربستان با چنین نگرشی تصور می‌کند که تغییر در نظام سیاسی یمن و متعاقب آن برهم خوردن نظم مرزی حاکم بر شمال این کشور می‌تواند به‌عنوان عامل عینی تهدیدزا نسبت به منافع آل‌سعود محسوب شود. هم‌چنین این عوامل عینی تهدیدزا، موازنه منطقه‌ای عربستان را در ارتباط با ج.ا.ایران تغییر خواهد داد و به گمان سعودی‌ها؛ ج.ا.ایران از امکان‌های عینی تهدیدزای مناسبی در جهت ضربه وارد کردن به آن‌ها برخوردار خواهد بود.<sup>۱</sup>

با تمام موارد مطرح شده به اعتقاد آقای کرمی «نخبگان جدید سعودی اعتقاد دارند که بعد از توافق هسته‌ای ج.ا.ایران و غرب، ج.ا.ایران تهاجمی‌تر شده و مسلماً نفوذش در منطقه بیشتر خواهد شد. آنان بر اساس این ارزیابی از قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران، بحران کنونی یمن را حمله‌ای پیش‌گیرانه ضد این کشور تلقی می‌نمایند. براین اساس، بحران یمن در راستای سیاست پیشگیرانه آل‌سعود نسبت به ج.ا.ایران قابل تحلیل و بررسی است».<sup>۲</sup> همچنین بنابر مقاله آقای زنگنه «علاوه‌براین، تحرکات عربستان در یمن در قالب انتقال قدرت به نسل دوم از شاهزادگان عربستان به‌منظور اثبات کارآمدی‌شان و چرخش از محافظه‌کاری به سمت رادیکالیسم در سطح نخبگان سیاسی این کشور نیز قابل تبیین است». ساختار پادشاهی، بسته و اقتدارگرایی رژیم آل‌سعود باعث شده تا این کشور با بهره‌گیری از منطق هابزی به سرکوب تحرکات و ناآرامی‌های داخلی و جنگ با کشور همسایه یعنی یمن روی آورد؛ زیرا از منظر دولت سعودی، پیدایش جریان‌های اعتراضی در یمن و متعاقب آن شکل‌گیری دولتی دموکراتیک در این کشور باعث سرایت امواج دموکراسی‌خواهی به عربستان خواهد شد و می‌تواند ضمن گسترش حرکت‌های اعتراضی

۱ - ماه‌پیشانیان، مهسا، (۱۳۸۸)، «سایه شیعه‌ستیزی و ایران‌هراسی بر جنگ یمن (قسمت دوم)»، نشریه پگاه حوزه، ۲۴ بهمن، شماره ۲۷۳، ص ۵۴ و ۵

۲ - کرمی، کامران، (۱۳۹۴)، «پیامدهای منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای تحولات یمن بر الگوی رفتاری عربستان»، ۹ آبان، در:

در این کشور، پایه‌های حکومت پادشاهی حاکم بر آن را متزلزل نماید؛ اما ساختار سیاسی دموکراتیک حاکم بر ج.ا.ایران نه تنها از تحولات یمن واهمه ندارد، بلکه گسترش امواج آزادی خواهی و انقلابی گری با ذات و فلسفه وجودی انقلاب اسلامی همخوانی دارد و باعث می شود که ج.ا.ایران با بهره گیری از منطق لاکمی - کانتی بتواند، مسائل داخلی یمن را به خوبی مدیریت نماید. ج.ا.ایران در تحولات کنونی یمن توانسته است با بهره گیری از نرم افزار منطق لاکمی - کانتی به خوبی نقش آفرینی نماید؛ اما آنچه علاوه بر عوامل ذهنی مؤثر پیش گفته در روابط ج.ا.ایران و عربستان قابل تأمل است، ذهنیت حاکم بر نخبگان دو کشور است. برخلاف رویکرد مداراگونه و محافظه کارانه ملک عبدا...، نخبگان کنونی حاکم بر آل سعود به شدت رادیکال هستند. نخبگان کنونی که از گروه سدیری ها به قدرت رسیده اند با بهره گیری از منطق هابزی یعنی سرکوب حرکتهای داخلی و به راه انداختن جنگ در یمن در صدد هستند تا از قدرت مانور ج.ا.ایران در منطقه و به ویژه در یمن بکاهند.<sup>۱</sup>

فهم چرایی اقدام عربستان در یمن زمانی بهتر درک می شود که ببینیم نه تنها سیاست های عربستان برای مهار ایران در عراق و سوریه شکست خورد، بلکه ایران به حیات خلوت عربستان در یمن نیز وارد شده است. با این وجود، نه تنها عربستان سعودی و هم پیمانانش تا کنون به مهم ترین اهدافشان دست پیدا نکردند؛ بلکه مخاطراتی هم از جمله ناامنی در مرز جنوبی عربستان و حمله راکتی قبایل یمنی به تأسیسات نفتی و بروز ناآرامی در مناطق نفت خیز و شیعه نشین استان شرقی برای این کشور داشته و این در حالی است که تقریباً نیمی از نیروهای بدنه ارتش عربستان سعودی را یمنی تبار تشکیل میدهند.<sup>۲</sup>

۱- زنگنه، حمید، حمیدی، سمیه، (۱۳۹۵)، «بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران

یمن» پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۵، شماره ۱۸-۴۸، پاییز

۲- فیروزکلانی، عبدالکریم، (۱۳۹۴) تحلیلی بر مهم ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به

یمن، پژوهشگاه مطالعات منطقه ای شماره ۷

## ۵. قطر

همزمان با قطع روابط دیپلماتیک امارات، عربستان سعودی و مصر با قطر شبکه خبری «الجزیره» وابسته به قطر در گزارشی تحت عنوان «شکاف در میان کشورهای عربی خلیج فارس» می‌نویسد: «تحلیلگران مسائل خاورمیانه می‌گویند که قطع روابط عربستان سعودی و کشورهای دنبال‌کننده آن با قطر آزمونی برای وحدت در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس است اگر این بحران در میان کشورهای عربی منطقه ادامه یابد تنها نتیجه آن توانمندتر شدن ایران در منطقه خواهد بود.» این شبکه خبری می‌افزاید: «رابطه دوحه با تهران از روز دوشنبه در معرض آزمون قرار گرفته است؛ پس از آن‌که عربستان سعودی رقیب ایران و چهار کشور دیگر روابط دیپلماتیک خود را با قطر قطع کرده‌اند. تاکنون کویت و عمان از فراخوان عربستان سعودی برای قطع روابط با قطر طفره رفته‌اند. عربستان سعودی قطر را به حمایت از گروه‌های تروریستی تحت حمایت ایران در استان قطیف عربستان و بحرین متهم کرده، ادعایی که دوحه آن را دروغ خوانده است.» این شبکه خبری در ادامه اشاره می‌کند که ریاض در حالی مدعی است که مقام‌های قطری به انصارا... در یمن کمک می‌کنند که قطر حدود هزار سرباز برای حمایت از دو سال جنگ عربستان در یمن اعزام کرده است. این شبکه خبری در ادامه به نقل از «سوزان کردلی» تحلیلگر مسائل منطقه و ایران می‌نویسد که عربستان سعودی و امارات می‌خواهند قطر را در منطقه مهار کنند و با اقدام اخیر خود به قطر فهمانده‌اند که اگر می‌خواهید روابط خوبی با شما داشته باشیم باید تبدیل به بحرین دیگری شوید و در سیاست خارجی از ما پیروی کنید. او می‌گوید: عربستان و امارات همواره با توسعه و پیشرفت قطر و دیپلماسی بلندپروازانه آن کشور مشکل داشته‌اند. این تحلیلگر که قبلاً در دانشگاه قطر کار می‌کرده، می‌افزاید: «رابطه دوحه با تهران از سال ۱۹۹۵ میلادی نشان‌دهنده سیاست خارجی مستقل قطر از همسایگان خود بوده است.» او می‌افزاید: قطر از دهه ۹۰ میلادی نشان داد که استقلال در سیاست خارجی یکی از اهداف اصلی‌اش برای حفظ حاکمیت ملی‌اش بوده است. کردلی می‌گوید که قطر اکنون در میانه بحران با عربستان موظف است تا موضع میانه‌روانه خود را

با ایران به دلیل همکاری‌های نفتی و گازی مشترک در میادین خلیج فارس حفظ کند. الجزیره می‌نویسد اکنون با بسته‌شدن مرز زمینی و هوایی عربستان بر روی قطر، ایران مواد غذایی به قطر ارسال می‌کند. «محبوب زویری» کارشناس مسائل خاورمیانه در دانشگاه قطر به الجزیره می‌گوید که عربستان سعودی و متحدان آن نمی‌توانند قطر را بدون هیچ‌گونه گزینه دیگری و صرفاً با اعمال زور از تصمیمات خود منصرف کنند. وی می‌گوید: «گزینه اخیر عربستان راه‌حلی در خود ندارد. اگر این وضعیت ادامه یابد ایران قدرتمندتر می‌شود. من فکر نمی‌کنم ریاض این موضوع را بخواهد من فکر می‌کنم اگر میانجی‌گری وجود نداشته باشد، اگر طرف ثالثی برای میانجی‌گری وجود نداشته باشد این بحران می‌تواند تشدید شود!»

## ۶. لبنان

لبنان نیز از دیگر صحنه‌های منازعه دو کشور است. مواضع متضاد ج.ا.ایران و عربستان در این کشور، نشان‌دهنده شدت تضاد ایدئولوژیکی میان این دو کشور است. حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی: قطعاً هدف عربستان و آمریکا از طرح استعفای سعدحریری ایجاد بحران سیاسی در لبنان است. وی درخصوص علت استعفای سعدحریری اظهار کرد: لبنان کشوری است که سال‌ها بدون رئیس‌جمهور اداره شده و با توجه به نقش فعال حزب... لبنان و هوشیاری نخبگان سیاسی آن که آرامششان را در شرایط کنونی حفظ کردند، بعید است که استعفای نخست‌وزیر لبنان سبب بحران سیاسی در این کشور شود. وی با اشاره به این‌که استعفای حریری تحمیلی است، افزود: در میان کشورهای عربی، عربستان به نیابت از آمریکا عامل اصلی در استعفای سعدحریری است و بعد از جریان اقلیم کردستان که به نتیجه نرسید، این دومین طرحی است که حتماً با شکست روبه‌رو خواهد شد. جبهه مقاومت تلاش می‌کند اجازه ندهد جریان استعفای سعدحریری بر روند ثبات منطقه خصوصاً عراق و سوریه تاثیر گذارد و نیز حزب... لبنان در خارج و داخل لبنان قدرت بسیاری دارد و نقش اساسی برای حفظ انسجام ملی ایفا

می‌کند. ادبیاتی که سعدحریری برای ج.ا.ایران به کار برد، همان ادبیات عربستان سعودی است، عربستان چون سند و مدرکی برای اثبات دخالت ج.ا.ج.ا.ایران در کشورهای منطقه ندارد از این ادبیات استفاده می‌کند و قطعاً نتیجه پشتیبانی عربستان از آمریکا بی‌ثباتی منطقه است و این کشور در سرکوب یمن نقش فراوانی دارد. وی با تاکید بر این که اسرائیل از فرصت درگیری کشورهای اسلامی برای تقویت امنیت خود استفاده می‌کند، اضافه کرد: این‌گونه اقدامات اسرائیل همیشگی است و عربستان و برخی کشورهای عربی دیگر از چنین روش‌های تبلیغاتی برای وصول به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

عبدالباری عطوان در تحلیل روز دوشنبه خود در روزنامه فرامنطقه‌ای 'رای الیوم' خاطرنشان کرد، مردم لبنان این روزها با استعفای غیرمنتظره سعدالحریری از سمت نخست وزیری از خود می‌پرسند که آیا جنگ ضد کشورشان نزدیک است، چه کسی فتیله این جنگ را روشن خواهد کرد؟ نتیجه آن چیست؟ و چه میزان بیگناه کشته خواهند شد؟ اینها پرسش‌هایی است که موجب شد سید حسن نصرالله دبیر کل جنبش حزب الله لبنان شب گذشته (یکشنبه) به سرعت برای آرام کردن مردم لبنان و کاستن از نگرانی آنها سخنرانی کند. وی گفت: دبیر کل حزب الله لبنان در سخنان خود وجود یک طرح عربستانی برای حمله نظامی به لبنان را پنهان نکرد اما خاطر نشان کرد در سایه بحران داخل عربستان و بازداشت گسترده شاهزادگان، وزرای کنونی و سابق و بازرگانان به اتهام فساد، امکان دست زدن این حمله از سوی ریاض به لبنان منتفی است همچنین عربستان و لبنان با یکدیگر مرز مشترکی ندارند و برای این حمله باید از خاک فلسطین اشغالی عبور کند که 'اسرائیل' هیچگاه به سفارش عربستان وارد جنگ با لبنان نمی‌شود بلکه تنها برای مصالح آمریکا و با خواست آن وارد جنگ با لبنان می‌شود.

این تحلیلگر افزود: استقبال علنی 'اسرائیل' از الحریری چه بسا یک تحلیل دیگر داشته باشد و به تمایل این رژیم به مواجهه با حزب الله و تلاش برای ریشه کن کردن آن به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در سایه آمریکا و عربستان مربوط است همان طور که در سال

۲۰۰۶ عربستان علنا به حمله تل آویو به لبنان کمک کرد و برای توجیه اقدام خود حزب ... را سرزنش نمود. وی معتقد است: الحریری با تصمیم آمریکا و اجرایی کردن آن از طریق عربستان کناره‌گیری کرد. او در برابر یک دو راهی قرار داشت و راه سومی نبود یا استعفا یا زندان. بازگشت به لبنان نیز بعید است و زمانی که او تابعیت عربستان را دارد در صورت عدم اجازه محمد بن سلمان ولیعهد عربستان نمی‌تواند از این کشور خارج شود. عطاوان در پایان نوشت: عربستانی که امروز می‌شناسیم با عربستان ۸۰ سال پیش فرق کرده است، اما آیا شانس طوفان قاطعیت بر ضد حزب ...، ج.ا.ایران و سوریه از مشابه آن در یمن بیشتر خواهد بود؟

### جمع‌بندی

عربستان سعودی خود را به عنوان قدرت هژمون منطقه‌ای می‌شناسد، و همواره این رهبری از سوی ج.ا.ایران که به لحاظ سیاست مستقل و اسکتبارستیز خود، حامی کشورها و نهضت‌های اسلامی بوده‌است به چالش کشیده شده است. در بحران سوریه، موضع ج.ا.ایران همواره تاکید بر حل و فصل دیپلماتیک مساله بوده و تصمیم‌گیری درخصوص حکومت آینده این کشور را منوط به برگزاری یک انتخابات آزاد و بنا بر تصمیم خود مردم سوریه دانسته است. با این همه، تلاش‌های سازنده یاد شده، نه تنها طی سالهای گذشته نادیده انگاشته شدند، بلکه حتی کوشش‌هایی صورت گرفت تا این کشور به عنوان یک تهدید برای صلح و امنیت منطقه‌ای معرفی شود. در مقابل، عربستان سعودی با حفظ روابط نزدیک با ایالات متحده از یک سو سعی کرده با تهدیدآمیز جلوه دادن سیاست‌های منطقه-ای ج.ا.ایران، خلاء ناشی از عدم وجود ارتباط موثر و فاصله بوجود آمده در مناسبات سیاسی و اقتصادی ج.ا.ایران و کشورهای غربی بویژه ایالات متحده را پر نماید و از سوی دیگر بطور آشکار و پنهان با شکل‌دادن به گروه‌های سلفی و تندرو در منطقه و حمایت مالی و تسلیحاتی از آنها، فضای منطقه را امنیتی نموده و عملا حتی منافع همپیمانان غربی خود بالخصوص ایالات متحده آمریکا و همچنین کشورهای منطقه را با چالش‌های جدی



مواجه سازد. این روزها تحولات در منطقه قدری متفاوت با گذشته و برخلاف انتظارات آمریکا و اروپا است. پیش از این و سالها قبل وزیر خارجه پیشین آمریکا «کاندولیز رایس» گفته بود، غرب آسیا درد زایمان دارد، چراکه غرب آسیای جدید در حال متولد شدن است. سران رژیم صهیونیستی هم اظهارات مشابهی را به زبان می‌آوردند. اما اکنون شرایط به قدری فرق کرده که حتی رسانه‌های وابسته به مراکز قدرت غربی هم حرف‌های کاملاً متفاوتی می‌زنند. به عنوان نمونه، روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز است که تحولات غرب آسیا در سال ۲۰۱۶ را پوشش داده و با ارائه تحلیلی، نوشت که ج.ا.ایران و روسیه توانستند در این سال، رقبای خود را مبهوت کنند.<sup>۱</sup> در مقابل مقامات سعودی بر این باورند که سیاست جدید آنها منافع عربستان را به شکل کامل تأمین خواهد کرد. سعودیها بر این باورند که این سیاست میتواند وزن عربستان در خاورمیانه در حال تحول را افزایش دهد و به شکلی روند امور را دوباره به سود کشورهای عربی با محوریت اهل تسنن تقویت نماید. به باور آنها تغییر در کشورهای حامی ایران باعث تضعیف محور مقاومت و تقویت جریان محافظه‌کار با محوریت عربستان خواهد شد.<sup>۲</sup> رفتارسنجی دو بازیگر عمده منطقه‌ای یعنی ج.ا.ایران و عربستان سعودی، حاکی از آن است که طی پنج سال گذشته، علی‌رغم تمام تبلیغات منفی که علیه ج.ا.ایران صورت گرفته است، در قیاس با عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران رفتارهای مثبت و اثربخش‌تری در زمینه برقراری و حفظ ثبات و امنیت پایدار منطقه‌ای از خود نشان داده است. نشانه‌های چنین رفتارهایی از جانب ج.ا.ایران را می‌توان در تعامل این کشور با نیروهای بین‌المللی و از جمله ایالات متحده آمریکا در افغانستان بر سر مساله مقابله با تروریسم و کمک به سقوط حکومت طالبان در آن کشور و همچنین تلاش‌های مثبت ج.ا.ایران برای استقرار و تثبیت قدرت سیاسی نوین در دوره پس از فروپاشی رژیم

۱ - به نقل از روزنامه کیهان ۱۱ دیماه ۹۵

۲ - جعفری ولدانی، اصغر و سید علی نجات (۱۳۹۲)، نقش قدرتهای منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۰-۱۳۹۳)،

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، ص ۱۶۹

بعث در عراق و کمک به تشکیل یک حکومت مرکزی در آن کشور و همچنین تلاش‌های سازنده ج.ا.ایران برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه یافت. درمقابل رفتارهای عربستان سعودی بخصوص در چند سال اخیر که دقیقاً بر اساس خط فکری امپریالیسم و صهیونیسم و تحت عنوان وهابیت و سلفی‌گری اسلامی در منطقه بروز نموده است، موجب ظهور و گسترش تروریسم و در نتیجه افزایش بی‌ثباتی در منطقه و کاهش امنیت غرب آسیا گردیده است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که رقابت‌های منطقه‌ای عربستان با ج.ا.ایران موجبات واگرایی و بروز تنش‌هایی در روابط دو کشور شده است، که با توجه به حوزه نفوذ هر دو کشور، گسترش ناامنی را در سطح منطقه در پی داشته است؛ حتی پس از اعلام سیاست تنش‌زدایی از سوی ج.ا.ایران و تلاش دو طرف با وجود اختلافات موجود، برای برطرف کردن ابهامات و نزدیکی روابط، در کل، هیچ‌گاه سوءظن و بدگمانی عربستان به ج.ا.ایران برطرف نشد. به نظر می‌رسد تا زمانی که پادشاهان سعودی با القای قدرت‌های بین‌المللی، به ج.ا.ایران اسلامی به عنوان خطری نگاه می‌کنند که تلاش می‌کند با صدور انقلاب اسلامی و گسترش مذهب تشیع، سیادت آن‌ها را بر جهان عرب دچار چالش کند و ج.ا.ایران نیز تغییر محوریت جهان عرب را از عربستان دنبال می‌کند، برای روابط دو کشور چشم‌انداز روشنی متصور نمی‌باشد. بر همین اساس عربستان سعودی با هدف ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود در برابر ج.ا.ایران، وارد بحران‌های منطقه‌ای شده است و در همین راستا سیاست‌هایی اتخاذ شده از سوی این رژیم موجبات واگرایی و بروز تنش‌های تفرقه افکنانه در سطح منطقه گردیده که نتیجه آن چیزی به جز ظهور و گسترش تروریست در منطقه، حضور کشورهای غربی به بهانه مبارزه با آن،... و در مجموع کاهش روز افزون امنیت منطقه نبوده است و در زمانی که احساس می‌شود منطقه غرب آسیا که از بدو تاریخ تا بحال کانون بحران و از هم پاشیدگی بوده است، به نگاه مشترک نسبت به امنیت منطقه و همکاری و اتحاد در آن بیش از پیش نیاز دارد، استمرار سیاست‌های تفرقه افکنانه عربستان

سعودی در آینده، صدمه بیشتر به منافع بلندمدت این کشور و امنیت منطقه غرب آسیا را در پی خواهد شد. ضرورت همگرایی از یک سو و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در غرب آسیا از سوی دیگر ایجاب می‌کند تا به منظور افزایش امنیت در منطقه، با وجود اختلاف و تضادهای فراوان عربستان و ج.ا.ایران، ایجاد سازوکارهایی مبتنی بر همکاری-های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و استقرار صلح و ثبات منطقه، در قالب یک نهاد و سازمان منطقه‌ای با رویکرد توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

\* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) KHAMENEI

.IR

- آدمی، علی، (۱۳۹۱) بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۲۶، بهار
- آرام، آرمینا، (۱۳۹۵) ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۹، بهار
- آقایی، سیدداود، (۱۳۶۸) سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: کتاب سیاسی
- بحرینی، مرتضی، (۱۳۸۱) جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸) چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جعفری ولدانی، اصغر و سید علی نجات (۱۳۹۲)، نقش قدرتهای منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۰-۱۳۹۳) فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم
- درودیان، محمد، (۱۳۸۰) پایان جنگ: سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۶) جنگ ایران و عراق و پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- رجبی، سهیل، (۱۳۹۱) واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۴
- زنگنه، حمید، حمیدی، سمیه، (۱۳۹۵) بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران یمن، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۵، شماره ۱۸ - ۴۸، پاییز

- ساعی، احمد؛ علیخانی، مهدی، بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲
- سیف زاده، سیدحسین، (۱۳۸۵) اصول روابط بین الملل (الف و ب) ، تهران: نشر میزان
- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹) «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن؛ امکانات و چالش‌ها» فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶، پاییز
- عبدا...خانی، علی، (۱۳۸۹) نظریه های امنیت ، تهران: انتشارات ابرار معاصر
- فوییه، کلود، (۱۳۶۷) نظام آل سعود، ترجمه نورالدین شیرازی، بی‌جا: فراندیش
- فیروزکلانی، عبدالکریم، (۱۳۹۴)، تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، پژوهشگاه مطالعات منطقه‌ای شماره ۷
- کتاب سبز عربستان، (۱۳۷۴) تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- کرمی، کامران (۱۳۹۴) «پیامدهای منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای تحولات یمن بر الگوی رفتاری عربستان» ۹آبان، در: [peace-ipsc-org](http://peace-ipsc-org)
- کوهکن، علیرضا-سعید تجری، (۱۳۹۳) بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰ پاییز
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸) «سایه شیعه‌ستیزی و ایران‌هراسی بر جنگ یمن (قسمت دوم)»، نشریه پگاه حوزه، ۲۴ بهمن، شماره ۲۷۳
- متقی، افشین، (۱۳۹۴) واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌انگاری
- مشیر زاده، حمیرا، (۱۳۹۰) تحول در نظریه های روابط بین الملل ، تهران: انتشارات سمت،

- ۲۳- نجات، سیدعلی و اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲) "بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه"، فصلنامه پژوهشهای سیاسی، سال سوم، شماره هشتم،
- ۲۴- نجات، سیدعلی، (۱۳۹۳) راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان
- ۲۵- نیاکویی، سید امیر، بهمنش، حسین، (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، زمستان شماره ۴
- ۲۶- واعظی، محمود، (۱۳۸۷)، روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام،
- ۲۷- واعظی، محمود، (۱۳۹۲)، انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، ۱۳۹۲
- ۲۸- هاشمی‌نسب، سعید، (۱۳۸۸) «نشست بررسی تحولات اخیر کشور یمن»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲، تابستان و پاییز
- ۲۹- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۷) تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم
- ۳۰- پایگاه خبری آفتاب
- ۳۱- پایگاه خبری ایسنا
- ۳۲- پایگاه خبری تابناک
- ۳۳- شبکه العالم
- ۳۴- روزنامه کیهان